علل شکست مصدق: نبود خرد جمعی

عارفی جوستانی، امیر

در سال‏هاست مقالاتی درباره‏ی رخدادهای چند دهه‏ی قبل در سال روز آن وقایع در روزنامه‏ها و مجلات درج و نویسندگان محترم‏ داد سخن می‏دهند،بدون این که این رخدادها را ریشه‏یابی و از جنبه‏های مختلف سیاسی،اجتماعی و اقتصادی،تجزیه و تحلیل‏ نموده و نتیجه‏ی به دست آمده را در قبال هزینه‏یی که کرده‏ایم و آن‏چه را که به دست آورده‏ایم،مقایسه کنند و بنویسند که مثلا قیام‏ 30 تیر،حاصل جان بازی 500 تا 800 نفر شهیدان روز سی ام تیر 1331 و نتیجه‏ی این فداکاری ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیس بود،اما پرسش واقعی این است که چرا ما نتوانسته‏ایم از راه مشورت و هم دلی و مجاری دیگر به منافع ملی‏ خود برسیم؟و چرا مجبور می‏شویم که هر از گاه چندین صد نفر و یا هزاران نفر را برای دستیابی به آن اهداف ملی قربانی کنیم؟و هزینه‏ی سنگینی را-که سرمایه‏گذاری در نیروی انسانی‏ست- متحمل می‏شویم؟علت عدم دستیابی چیست؟

مطبوعات باید مسایل را موشکافی و روشنگری کنند و در تنویر افکار عمومی نقش مؤثرتری را ایفا نمایند،زیرا تا مادامی که مردم‏ ندانند همین است.ولی روزنامه‏نگاران و نویسندگان محترم ما به جای‏ پژوهش و روشنگری در این موارد بسیار مهم،یک مشت بد و بی‏راه‏ و ناسزا نثار مبارزان و سیاست‏مداران آن روز کرده‏اند که اگر لختی‏ بیندیشیم،این روش ناپسنددور از انصاف و خلاف حرمت قلم و روزنامه‏نگاری‏ست.

نویسندگان و خوانندگان ماهنامه‏ی حافظ به یقین تاریخ‏ مسعودی تألیف ابو الفضل بیهقی را مطالعه و در آن تتبع کرده‏اند و آگاه‏اند که این اثر فقط تاریخ نیست،بلکه مجموعه‏یی از جامعه‏شناسی،جغرافیای تاریخی،مضامینی اخلاقی-ادبی و نمونه‏ی‏ بسیار عالی از نثر دوره‏ی غزنوی‏ست.بیهقی همه جا وقایع را با عرضه داشتن اسناد حقیقی قابل اطمینان می‏سازد و درستی اخبار را تأکید می‏کند و می‏نویسد:«من که این تاریخ پیش گرفته‏ام،التزام‏ این قدر کرده‏ام تا آن‏چه نویسم یا از معاینه‏ی من است یا از استماع‏ درست از مردی ثقه.»1

عمر خیام می‏گوید:«قلم را دانایان مشاطه ملک خوانده‏اند و سفیر دل و سخن تا بی‏قلم بود،چون بی‏کالبد بود و چون به قلم باز امیر عارفی جوستانی بسته شود،با کالبد گردد و همیشه بماند و چون آتشی‏ست که از سنگ و پولاد جهد و تا سوخته نیابد،نگیرد و چراغ نشود که از او روشنایی یابند.»2این سؤال باقی‏ست که ما چرا و چه گونه‏ نتوانسته‏ایم در پاسداری از حرمت قلم از سنّت حسنه‏ی بیهقی و خیام‏ پیروی و از این لغزش‏ها که در رسانه‏های نوشتاری،تصویری و گفتاری دیده و شنیده می‏شود،دوری کنیم و در برخورد با مسایل‏ اجتماعی،اقتصادی،سیاسی و علمی،ادب اجتماعی،سیاسی و اخلاقی داشته باشیم؟

معنای خرد جمعی

در شماره‏ی تیر 83 ماهنامه‏ی حافظ،روز سی ام تیر 1331 شمسی را روزی دانسته‏اند که«خرد جمعی و اراده‏ی ملی بر استبداد و خود رأیی پیروز شد.»اطلاق خرد جمعی و اراده‏ی ملی در آن مقطع‏ زمانی برداشتی نادرست است،زیرا خرد جمعی در تعامل بینش‏ سیاسی و اجتماعی و...ارائه‏ی طریق در حفظ منافع کشور و جایگاه‏ طرح و ارائه‏ی آن در رأس هرم دموکراسی،یعنی در مجلس شورای‏ ملی آن روز،توسط برگزیدگان مردم که نماد عقلانیت سیاسی و اجتماعی جامعه باید بودند،انجام می‏شد.این عقلانیت در نمایندگان‏ دوره‏ی اول مجلس شورای ملی که در تاریخ 14 مهرماه 1285 خورشیدی تشکیل شد،وجود داشت که از طرف اصناف مختلف‏ انتخاب شده بودند.شمار این طبقات و اصناف بالغ بر 110 گروه بود. این نمایندگان از صنف قفل‏ساز،حمامی،میراب‏3و...کاری کارستان‏ کردند و به جاست شمه‏یی بسیار مختصر از اقدمات و قوانینی که‏ به وجود آوردند،بنویسیم:

1-اخراج مستشاران بلژیکی و سایر مستخدمین بیگانه از ایران، تجدید نظر در حقوق و مستمری شاه و تعیین مبلغ آن،قانون‏ تأسیس بانک ملی،ممنوعیت هرگونه وام‏خواهی از روسیه و انگلیس.

2-سالانه شعاع السلطنه 115،ظل السلطان 75 و نایب السلطنه‏ 29 هزار تومان دریافت می‏کردند که کمیسیون اصلاح مالی برای‏ سالانه هر یکی 12 هزار تومان مقرری تعیین کرد.فرمانروایان هر شهرستان مالیاتی را که به دولت می‏پرداختند مربوط به صد سال‏ پیش بود که کمیسیون اصلاح مالی مجلس دست آنان را از سوء استفاده و تدلیس کوتاه کرد،تیول را برانداخت،به دلیل آن که‏ ولی عهد در تبریز ساکن نیست،مبلغ هشتاد هزار تومان بابت‏ هزینه‏ی او و سیصد هزار تومان از بذل و بخشش پادشاه از دریافتی‏ دربار کسر شد.

3-مهم‏ترین قوانینی که در دوره‏ی اول مجلس شورای ملی‏ تصویب شده است،به اختصار عبارت است از:قانون آزادی مطبوعات‏ در 53 ماده؛قانون تشکیلات ایالات و ولایات؛قانون انجمن ایالتی‏ و ولایتی؛قانون بلدیه؛قانون وظایف؛قانون نظام نامه‏ی داخلی‏ مجلس؛قانون اساسی در 51 اصل؛قانون رشوه و مجازات آن؛متمم‏ قانون اساسی در 107 اصل.

تصویب این قوانین را می‏توان نماد عقلانیت عام و خرد جمعی‏ و اراده‏ی ملی دانست،زیرا به نظر روسو و طرفدارانش در کشور دموکراسی اراده‏ی عمومی بزرگ‏ترین قدرت‏هاست و اراده‏ی عمومی‏ به نمایندگان مردم در مجلس تفویض شده و به عبارتی مصوبات‏ آنان جانشین اراده‏ی عمومی یا ملی‏ست.4بنابراین وجهه‏ی همت‏ نمایندگان مردم در وضع قوانین و نظامات متعالی،سنگ بنای‏ دموکراسی مشروطه را گذاشتند،اما نباید حضور رجال تحصیل کرده‏ و زبان دانی چون مرتضی قلی خان هدایت ملقّب به صنیع الدوله، اولین رییس مجلس شورای ملی و میرزا محمود خان احتشام السلطنه‏ علامیر،دومین رییس مجلس و میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله، آخرین رییس مجلس شورای ملی دوره‏ی اول را نادیده گرفت.5

هرچند این اراده‏ی عمومی و ملی ره صد ساله را یک‏شنبه پیموده‏ بود،متأسفانه در چنبره‏ی دورویی و ریاکاری محمد علی شاه و هیأت‏ حاکمه‏ی فاسد و مستبد که مجری اوامر امپراتوری روسیه‏ی تزاری و دولت فخیمه‏ی انگلیس بودند،گرفتار شد.قیام دلیر مردان در جای جای کشور و مجاهدات جانانه‏ی سرداران ملی چون ستار خان و باقر خانو سایرین،خواب خوش مستبدان را آشفت و استبداد صغیر هم به پایان آمد.

نبود خرد جمعی در 1332

برای مقایسه در عملکرد مجلس دوره‏ی هفدهم به فضای‏ سیاسی سال 1331 ش.می‏پردازیم:

در تیرماه 1331 و بعد در مرداد 1332،یعنی حدود پنجاه سال‏ پس از دوره‏ی اول مجلس شورای ملی،عقلانیت سیاسی و اجتماعی‏ نه در جامعه و نه در بین نمایندگان مجلس شورای ملی و حتا در بین‏ گروه‏های سیاسی درگیر ماجرا هم که دال بر خردورزی و خردگرایی‏ آنان و انگیزه‏یی برای حفظ منافع ملی باشد،وجود نداشت؛زیرا نمایندگان مجلس شورای ملی دوره‏ی هفدهم،منتخب واقعی مردم‏ نبودند تا مظهر خردورزی و اراده‏ی عمومی و ملی باشند و به استثنای چند نفری که تعداد آنان به تعداد انگشتان یک دست‏ نمی‏رسد،هرچند نفری وابسته به یکی از گروه‏های سیاسی شدند و منافع فردی را بر منافع ملی ترجیح دادند و برخلاف خط و مشی‏ سیاست‏مداران کشورهای دیگر که در بحران‏ها در جهت حفظ منافع ملی اختلافات خود را کنار می‏گذارند،نمایندگان مجلس‏ دوره‏ی هفدهم و رهبران گروه‏های سیاسی آن روز کشور ما،هر یک بر عقیده‏ی خود مصر بودند و حاضر به شنیدن نظرات گروه‏ دیگر نبودند تا در سایه‏ی مشورت و همکاری بر مشکلات فائق‏ آیند.

گروه‏های سیاسی زمان مصدق

عدم توفیق گروه‏های سیاسی در دوران زمامداری زنده یاد دکتر محمد مصدق،ناگفته‏هایی‏ست که نیازمند تجربه و تحلیل جامع‏ می‏باشد تا بتوان ناپایداری این گروه‏ها را در عرصه‏ی سیاسی‏ مشخص کرد.با این مفروضات،صف‏آرایی و فلسفه‏ی وجودی‏ گروه‏های سیاسی آن روز را بسیار مختصر ارزیابی می‏کنیم:

الف-فراماسون‏ها:این گروه حافظ منافع دولت فخیمه‏ی‏ انگلیس و تنیده در بدنه و طن جامعه و اشغال مقامات بلندپایه‏ی‏ دولتی و سیاسی و اجتماعی،با هماهنگی منضبط و اجرای برنامه‏های‏ تدوین شده در لژهای متعدد بود.

ب-نیروهای چپ یا به قولی توده‏ی نفتی‏ها:نیروهای چپ‏ با سازماندهی بسیار منظم و تشکیلاتی در کلیه‏ی ادارات دولتی و مراکز کارگری در شهرهای مختلف،حتا در ارتش و سازمان‏های‏ کلیدی،برای حفظ منافع همسایه‏ی شمالی تا جایی که تلاش کردند آذربایجان را از پیکرده‏ی ایران جدا کنند که البته نشد.6

ج-جبهه‏ی ملی یا طرفداران دکتر مصدق:این گروه‏ سیاسی که از احزاب مختلف و افرادی تحصیل کرده و فرهیخته‏ تشکیل شده بود،هیچ گونه تشکیلات سیاسی نداشتند و با این که از پشتیبانی مردم برخوردار بودند،به علت نداشتن برنامه‏ریزی و تشکیلات حزبی و پشت کردن تعدادی از اعضای آن،شکست‏ خوردند.7

د-درباریان یا طرفدارن شاه:طرفدارن شاه که اهرم‏های‏ اساسی کشور از قبیل ارتش،نیروهای انتظامی و رسانه‏های گروهی‏ را در اختیار داشتند و جز به بقای خود نمی‏اندیشیدند،هر جنبشی را سرکوب و هر حرکتی را خنثی می‏کردند تا توانستند با کمک‏ نیروهای خارجی(انگلیس،امریکا)جنبش ملی مردم ایران را در نهایت به سختی سرکوب و آب رفته را به جوی آورند.

هـ-نیروهای مذهبی:نیروهای مذهبی آن روز مثل جبهه‏ی‏ ملی،تشکیلاتی منسجم و یک پارچه نداشت و با این که اشخاصی‏ ترور شخصیت‏های سیاسی را می‏ستودند،باید گفت:مرجعیت آن روز حرکت‏های رادیکالی بعضی از گروه‏ها را نمی‏پسندید.علت شکست‏ آن‏ها نداشتن برنامه‏یی شفاف در جهت مقابله با بحران بود.

نتیجه

با برشمردن وضعیت تشکیلاتی و دیدگاه‏های سیاسی گروه‏ها،به‏ هیچ حفظ منافع ملی حرکت کنند و نتیجه این که،خرد جمعی و اراده‏ی عمومی یا ملی در آن هیاهو و جنجال سیاسی محلی از اعراب نداشت و این عدم عقلانیت موجب نفوذ نیروهای برانداز و کودتاچی داخلی و خارجی شد تا جنبش ملی و مطالبات عمومی در چنبره‏ی پیچ در پیچ فراموشی سیاسی و ناآگاهی تاریخ و خودخواهی‏ گروه‏های سیاسی گرفتار و سیاست‏مدران آن روز پس از کودتای 28 مرداد 1332،مزه‏ی تلخ و زهرآگین میوه‏ی پراکندگی و خودبزرگ بینی را چشیدند و از تاریخ عبرت نگرفتند.

پی‏نوشت‏ها:

(1)-شاهکارهای ادبیات فارسی،شماره‏ی 10،«حسنک وزر از تاریخ بیهقی» به کوشش زهرا خانلری(کیا)،چاپ دهم،امیر کبیر،1362.

(2)-نوروزنامه‏ی منسوب به عمر بن ابراهیم خیام،به کوشش علی حصوری،نشر چشمه،چاپ اول،1379.

(3)-ملک و آب زمینی که از طرف پادشاه به کسی واگذار می‏شد ک از درآمد آن زندگانی کند.

(4)-ادوار مجالس قانون‏گذاری در دوران‏ مشروطیت،نوشته‏ی یونس مروارید،چاپ اول،1377،نشر واحد،تهران.

(5)-قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی(مشروطیت)،نوشته‏ی شادروان‏ دکتر مصطفی رحیمی،تهران،چاپ سوم،انتشارات امیر کبیر.

(6)-ایدئولوژی‏ نهضت مشروطیت،به قلم دکتر فریدون آدمیت،تهران،انتشارات نگاه.

(7)-نقل‏ مضمون از گذشته چراغ راه آینده؛سی و هفت سال،نوشته‏ی احمد سمیعی، چاپ اول،شهریور 1365،نشر شباویز،ص 63.

(8)-سی و هفت سال،ص 111.

(9)-همان،ص 58.